MEJDS. 2019; 9:27.

Published online 2019 Jun. **Research Article**

Life Experience of Blind People: Recognize their Driving Patterns

*Hosseinlu A[1], Esma'ili M[2], Kazemian S[3]

Author Address
1. Master of Rehabilitation Consulting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran;
2. Associate Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran;
3. Assistant Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
***Corresponding Author E-mail:** Aghil.hosseinlu@atu.ac.ir

Received: 2018 Apr 10; **Accepted:** 2018 May 8

Abstract

Background & Objective: Having a different physical and emotional experience, including stressors in human life, could affect individual identities, psychosocial dimensions, emotional balance, self–satisfaction, sense of competence and achievement, social interactions, interpersonal relationships and individual needs adaptability. Blindness is a different experience. Blind people usually have difficulties in adaptation with their environment because they lose their basic sense of mobility and navigation skills. However, it is said that a person with a behavioral pattern can achieve success when a person can navigate his work and his personal life. Identifying behavioral patterns of individuals can lead to the correct design of the movement for successful relationships and constructive interaction with others to obtain the desired outcomes from work negotiations, family relationships and friendly communication. Therefore, the present study was conducted to examine the life experience of blind people to recognize their driving patterns.

Methods: This research was a qualitative study and phenomenological research. The sample and statistical population of the study were blind subjects with 22 years and older in Tehran. The people were selected using targeted sampling method, and the data–gathering tool was semi–structured interviews. In analyzing the data obtained from the interview, two methods of descriptive phenomenological analysis (Clayzee method) and the coding method used simultaneously. Interview data at the same time and after completing interviews and recording the main points during the session, the participants 'statements repeatedly listened to the recorded notes, and their statements word–of–word wrote on paper and several times studied to understand participants' feelings and experiences.

Results: Analysis of interviews data about the living experience of blind people to determine the characteristics of their driving patterns had 21 major categories. They include: normalization in the course of time, the color of divinity, the relationship with God and Holliman's, the blessings of God, strong self–concept and self–reliance, self–belief, strong will, sense of usefulness, positive effects, emphasis on self–help, help–seeking and consulting with others, communication with others, communication with the blind, community support, family support, friendship support, welcoming culture, hindering others, negative impacts, education, financial dependence, outcomes and livelihood status obtained. Ultimately identified five core categories as characteristics of the driving patterns of blind people, including overtime adaptation, association with God, social skills, individual support factors and social support.

Conclusion: Characteristics of the driving patterns of blind people were a set of interpersonal and interpersonal features and factors such as environmental factors and, most important, communication with the creator of being. Therefore, it seems that neglecting or ignoring any of these factors and features can deprive an individual of having driving patterns.

Keywords: Phenomenology, Life experience, Blind, Adaptability, Driving patterns.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.49.1]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۸؛ (۹):۲۷.

انتشار برخط خردادماه ۱۳۹۸ مقاله پژوهشی اصیل

تجربهٔ زیستهٔ افراد نابینا: تشخیص الگوهای پیش‌برندهٔ آن‌ها

*عقیل حسین‌لو[۱]، معصومه اسمعیلی[۲]، سمیه کاظمیان[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. کارشناسی‌ارشد مشاورهٔ توان‌بخشی، دانشگاه علامه‌طباطبائی، تهران، ایران؛

۲. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه‌طباطبائی، تهران، ایران؛

۳. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه‌طباطبائی، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** Aghil.hosseinlu@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۱ فروردین۱۳۹۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۸ اردیبهشت۱۳۹۷

چکیده

زمینه و هدف: افراد نابینا معمولاً به‌دلیل داشتن تجربهٔ متفاوت از افراد عادی، در سازگاری با محیط دچار مشکل می‌شوند. در این میان گفته شده است فرد دارای الگوی رفتاری پیش‌برنده، در زمان داشتن توانایی جهت‌یابی در کار و زندگی شخصی خود، می‌تواند به‌موفقیت دست یابد؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربهٔ زیستهٔ افراد نابینا به‌منظور تشخیص الگوهای پیش‌برندهٔ آن‌ها انجام گرفت.

روش‌بررسی: پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی و پژوهشی پدیدارشناسی بود. جامعهٔ آماری و نمونه‌های این پژوهش را افراد نابینا، ۲۲ ساله و بیشتر در شهر تهران تشکیل دادند که به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته بود. در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیز از دو روش تحلیل پدیدارشناسی توصیفی کلایزی و روش کدگذاری به‌طور هم‌زمان استفاده شد.

یافته‌ها: با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها دربارهٔ تجربهٔ زیستهٔ افراد نابینا برای تعیین ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ آن‌ها، ۲۱ مقولهٔ عمده به‌دست آمد که درنهایت پنج مقولهٔ هسته شامل سازگاری به‌مرور زمان، ارتباط با خدا، عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی، مهارت‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی، به‌عنوان این ویژگی‌ها مشخص شد.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت، الگوهای پیش‌برندهٔ افراد نابینا، مشتمل‌بر مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و عوامل درون‌فردی و بین‌فردی و درعین‌حال عوامل محیطی و از همه مهم‌تر ارتباط با خالق هستی است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد بی‌توجهی یا نادیده‌گرفتن هرکدام از این عوامل و ویژگی‌ها، می‌تواند فرد را از داشتن الگوی پیش‌برنده، محروم سازد.

کلیدواژه‌ها: پدیدارشناسی، تجربهٔ زیسته، نابینا، سازگاری، الگوهای پیش‌برنده.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.49.1]

۱ مقدمه

شناسایی الگوهای رفتاری افراد می‌تواند موجب ترسیم صحیح حرکت برای برقراری روابط موفق و تعامل سازنده با سایرین به‌منظور کسب نتایج دلخواه از مذاکرات کاری و روابط خانوادگی و ارتباط‌های دوستانه شود (۱). داشتن تجربهٔ متفاوت جسمی می‌تواند ازجمله عوامل تنش‌زا در زندگی انسان باشد که بر هویت فردی، ابعاد روانی‌اجتماعی، تعادل عاطفی، رضایت از خود، احساس شایستگی و کارآمدی، تعامل‌های اجتماعی و روابط بین‌فردی تأثیر بگذارد و فرد نیازمند سازگاری با آن است (۲). نابینایی نیز تجربهٔ متفاوتی بوده که از این امر مستثنی نیست. افراد نابینا معمولاً به‌سبب داشتن تجربهٔ متفاوت از افراد عادی، در سازگاری با محیط دچار مشکل می شوند. ممکن است نابینایی به‌عنوان مانعی در تعامل‌های اجتماعی باعث شود آن‌ها درمقایسه با هم‌سن‌وسالان خود ارتباط اجتماعی کمتری داشته باشند و چون ادراک از خود و برداشت فرد از خویش دارای بار قوی اجتماعی است، روی بُعد عاطفی ارزشیابی خود آنان تأثیر می‌گذارد (۳). نابینایی بر کارکرد فرد تأثیرات همه‌جانبه‌ای دارد. بدون بینایی، ادراک و تفکر افراد از خود و دیگران، بسیار متفاوت خواهد بود. این ادراک متفاوت ممکن است در افراد باآسیب بینایی، سبب بروز مشکل‌های عاطفی و اجتماعی شود (۴).

سازگاری با محیط نقش عمده‌ای در بقای انسان و سلامت روانی او دارد. انسان با کمک این توانایی است که می‌تواند با وضعیت متغیر محیطی و درونی خود کنار آید و موجودی و سلامت روانی خویش را حفظ کند (۵). افرادی که از نظر روانی سالم هستند و درواقع سازگاری دارند، می‌توانند خود شان و دیگران و رویدادهای موجود در محیط را به‌صورتی که واقعاً هستند درک کنند، یعنی آن‌ها دربرابر تجربیات محیطی گشوده‌اند (۶). افراد سازگار، واقع‌بین، انعطاف‌پذیر، مؤثر و اجتماعی بوده و کوشش‌های آن‌ها در جهت سازگاری و حل مسئله برمبنای ارزیابی دقیق موقعیت و توانایی‌ها و آثارشان صورت می‌گیرد. آنان قادر به تغییر رفتار خویش برطبق انتظارها و توقع‌های در حال تغییر از واقعیت هستند و هنگام ضرورت توانایی یادگیری پاسخ‌های جدید را داشته و از زندگی لذت می‌برند (۷). در تعریف شخص دارای الگوی رفتاری پیش‌برنده می‌توان گفت این شخص، از انجام کار خود مطمئن است و در زمان داشتن توانایی جهت‌یابی در کار و زندگی شخصی‌اش، می‌تواند به موفقیت دست یابد. او به‌طور پیوسته به‌دنبال دستاوردهای جدید است. فرد با الگوی رفتاری پیش‌برنده با استفاده از قدرت ارادهٔ بُعد رفتاری D[1] (تسلط) و صبر و شکیباییِ بُعد رفتاری S[2] (ثبات) عزم راسخی در جنگیدن برای هدفی دارد. گاهی او در وضعیت D بوده و نتیجه‌گرا و معطوف به اهدافش است و زمانی دیگر در وضعیت S و مهربان و انعطاف‌پذیر و بسیار مستقل است. او ممکن است تمایل زیادی به ایفای نقش در تیم داشته باشد. همچنین وفاداری و صداقت شدیدی به افراد زندگی‌اش نشان می‌دهد و می‌تواند ازطریق گوش‌کردن به بازخوردهای افراد خانواده و دوستان و همکاران، آگاهی لازم و چشم‌انداز روشنی را به‌دست آورد (۱)؛ نابینایی پدیده‌ای ناخواسته بوده که ممکن است برای هر فردی در هر زمان و سن و مکانی اتفاق افتد و به‌تبع آن ممکن است به‌علل متعدد مانند نگرش‌های منفی جامعه به نابینایان، تصویر ذهنی جامعه دربارهٔ درمانده و وابسته‌بودن نابینایان، دریافت‌نکردن بازخورد چشمی دربارهٔ رفتارهایشان، ناتوانی در موضع‌یابی و تعیین محل افراد، ناتوانی در پیداکردن راهکارهای مناسب برای غلبه بر نداشتن اعتمادبه‌نفس و مشکلات در روابط بین‌فردی، سازگاری اشخاص نابینا با مشکل مواجه شود (۸)؛ امّا نابینایی نمی‌تواند علّت بازدارنده جهت حضور افراد در صحنه‌های گوناگون اجتماعی باشد (۹)؛ بنابراین تحقیق حاضر با بررسی تجربهٔ زیستهٔ افراد نابینا در جهت دستیابی به ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ آنان است تا بدین‌طریق ویژگی‌های این الگوها را درافراد نابینا شناسایی کرده و نتایج پژوهش در اختیار نابینایان دیگر قرار گیرد. همچنین گامی در جهت کاهش مسائل مدنظر نابینایان بردارد.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی و پژوهشی پدیدارشناسی بود. جامعهٔ آماری را افراد نابینا، ۲۲ساله و بیشتر (زن و مرد)، در شهر تهران تشکیل دادند که به‌روش نمونه‌گیری هدفمند با دو روش نمونه‌گیری ملاکی و گلولهٔ برفی انتخاب شدند. پژوهشگر باتوجه به معیارهایی همچون شناخت کافی از موضوع تحقیق، علاقه به موضوع پژوهش، داشتن زمان کافی جهت مصاحبه واجازه‌دادن جهت ضبط صدا، شرکت‌کنندگان در تحقیق را با شناخت قبلی خود و کمک‌گرفتن از افراد آشنا با نابینایان موفق، انتخاب کرد. در ادامه روش نمونه‌گیری گلولهٔ برفی به‌کار رفت. بدین‌صورت که بعد از چند نفر نمونهٔ اولیه بقیهٔ نمونه‌ها توسط افراد شرکت‌کننده معرفی شدند و فرایند نمونه‌گیری و همچنین پژوهش تا زمانی ادامه یافت که داده‌ها به اشباع نظری رسیدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته بود؛ بنابراین محورهای سؤال‌های تحقیق برای رسیدن به اینکه ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ افراد نابینا چیست، طراحی و به مصاحبه پرداخته شد. این سؤال‌ها عبارت بود از: ۱. کنشگران مطالعه‌شده با مسئلهٔ نابینایی خود چگونه برخورد کرده‌اند؟ ۲. کنشگران مطالعه‌شده در برخورد با فراز و نشیب‌های زندگی چه کارهایی انجام داده‌اند؟ ۳. از نظر کنشگران مطالعه شده اطرافیان (اجتماع) برای رسیدن به اهدافشان چه کمک‌ها و چه موانعی ایجاد کرده‌اند؟ ۴. کنشگران مطالعه شده چه کارهایی در جهت افزایش توانمندی خود انجام داده‌اند؟ ۵. از نظر کنشگران مطالعه‌شده نابینایی چه تأثیراتی در زندگی آن‌ها داشته است؟. تقریباً بعد از نمونهٔ هشتم، یافته‌های حاصل از مصاحبهٔ نمونه‌ها تکرار شد. سپس نمونه‌گیری و انجام مصاحبه‌ها تا ۱۳ نمونه پیش رفته و به پایان رسید. در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیز از دو روش تحلیل پدیدارشناسی توصیفی کلایزی و روش کدگذاری به‌طور هم‌زمان جهت تحلیل عمیق یافته استفاده شد. تحلیل یافته‌ها بدین‌صورت بود که در تحلیل داده‌ها و پاسخ به سؤال‌های پژوهش، داده‌های مصاحبه‌ای هم‌زمان و پس از پایان مصاحبه‌ها و ثبت یاداشت‌برداری نکات اصلی حین جلسه، بیانات ضبط‌شدهٔ شرکت‌کنندگان به‌طورمکرر گوش داده

[1]. Dominance

[2]. Steadiness

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.49.1]

شد. همچنین اظهاراتشان، کلمه‌به‌کلمه روی کاغذ نوشته و جهت درک احساس و تجارب شرکت‌کنندگان چند بار مطالعه شد. پس از مطالعهٔ همهٔ توصیف‌های شرکت‌کنندگان، زیرِ اطلاعات بامعنا و بیانات مرتبط با ویژگی های الگو های پیش‌بر ندهٔ آن ها خط کشـــیده و بدین‌طریق جملات مهم مشخص شد. در ادامه با استفاده از روش کدگذاری، در واحد ســـطر و عبارت و پاراگراف، به‌صـــورت ســـطر به‌ســـطر و عبارت‌به‌عبارت و پاراگراف‌به‌پاراگراف به‌دقت کدگذاری باز شـــده و مفاهیم اولیه برگرفته از داده‌ها به‌دست آمد. هم‌زمان با فرایند کدگذاری باز، کدگذاری محوری نیز صـورت گرفت؛ یعنی مقوله‌های حاصـل با یکدیگر مقایسه و ابعاد آن‌ها تشخیص داده شد. درنهایت، مقوله‌های عمده باتوجه به ارتباط منطقی بین مقوله‌ها و مبتنی‌بر گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و برداشت محقق به نگارش درآمد (مطابق با مرحلهٔ ســوم و چهارم روش کلایزی). ســپس در مرحلهٔ کدگذاری گزینشــی، مقوله‌های هسته تعیین شـدند. در این مرحله یا باید از بین مقوله‌های حاصـل مقولهٔ هسـته مشـخص شـده یا محقق مقوله‌ای جدید را برای پرکردن فضـای مفهومی کل مقوله‌ها تعیین کند؛ لذا مقولهٔ هسـته برای ســؤال اصـــلی تحقیق که فرآیند کدگذاری باز و محوری را طی کرده، تعیین شـــد (مطابق با مرحلهٔ پنجم روش کلایزی). در ادا مه برای اعتباربخشـی به مقوله‌های هســته به هرکدام از مشـارکت‌کنندگان در تحقیق رجوع و دربارهٔ درک درست مقوله از آن‌ها سـؤال شـد. در این مرحله دربارهٔ دو تا از مقوله‌های هستهٔ به‌دست‌آمده تجدیدنظر صورت گرفت. درپایان به توصـیف مقوله‌های هســتهٔ حاصـل از یافته‌ها و همچنین تأییدشده توسط مصاحبه‌شوندگان، پرداخته شد. لازم به‌ذکر است که مصاحبه‌شوندگان برای شرکت در مصاحبه و ادامهٔ آن آزادی تمام داشتند؛ بنابراین بعد از توضیحات کلی دربارهٔ پژوهش (فرایند و زمان پژوهش)، در صـورت موافقت، مصـاحبه‌شـوندگان در تحقیق شرکت داده شدند.

۳ یافته‌ها

در پژوهش حاضـر ۱۳ نابینا با دامنهٔ سـنی ۲۲ سـال و بیشـتر شـرکت داشـتند. اطلاعـات جـدول زیر نشـــان می‌دهـد از بین تعـداد مصاحبه‌شوندگان نه نفر مرد و چهار نفر زن بودند. میانگین سنی زنان ۳۲ ســـال و میـانگین ســـنی مردان ۴۰ ســـال و تحصـــیلات مصاحبه‌شوندگان، سه نفر دکتری و دو نفر کارشناسی‌ارشد و هشت نفر لیسانس بود.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان در مصاحبه

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	وضعیت تاهل	علت نابینایی
۱	مرد	۵۲	دکتری	هیئت‌علمی	متأهل	مادرزادی
۲	مرد	۵۷	دکتری	هیئت‌علمی	متأهل	مادرزادی
۳	مرد	۵۰	دکتری	کارمند	متأهل	اکتسابی
۴	مرد	۴۸	کارشناسی‌ارشد	کارمند	متأهل	اکتسابی
۵	مرد	۲۷	کارشناسی‌ارشد	دانشجو	مجرد	مادرزادی
۶	مرد	۲۸	لیسانس	دانشجو	مجرد	اکتسابی
۷	مرد	۲۳	لیسانس	دانشجو	مجرد	اکتسابی
۸	زن	۲۲	لیسانس	دانشجو	مجرد	مادرزادی
۹	زن	۲۸	لیسانس	کارمند	مجرد	اکتسابی
۱۰	زن	۳۷	لیسانس	معلم	مجرد	مادرزادی
۱۱	زن	۴۱	لیسانس	کارمند	مجرد	مادرزادی
۱۲	مرد	۴۸	لیسانس	کارمند	متأهل	مادرزادی
۱۳	مرد	۳۵	لیسانس	مدیر	متأهل	مادرزادی

از تحلیل داده‌های حاصـل از مصـاحبه‌ها پیرامون تجربهٔ زیسـتهٔ افراد نابینا برای تعیین ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ آن‌ها، ۲۱ مقوله عمده و پنج مقولهٔ هسته شامل ۱. سازگاری به‌مرور زمان، ۲. ارتباط با خدا، ۳. عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی، ۴. مهارت‌های اجتماعی و ۵. حمایت اجتماعی به‌دست آمد که در جدول ۲ و شکل ۱ ارائه شده است.

جدول ۲. مقوله‌های عمده و مقوله‌های هستهٔ پژوهش

مقوله‌های عمده	مقوله‌های هسته
عادی‌شدن در اثر گذشت زمان	سازگاری به‌مرور زمان
رنگ الهی‌دادن، ارتباط با خدا و اهل بیت، نعمتی از سمت خدا	ارتباط با خدا
خودپندارهٔ قوی، خودباوری، داشتن ارادهٔ محکم، حس مفیدبودن، تأثیرات مثبت، تأکید بر عملکرد خود	عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی
کمک‌خواستن و مشورت با دیگران، ارتباط با دیگران، ارتباط با نابینایان موفق	مهارت اجتماعی

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.49.1]

شکل ۱. ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ افراد نابینا با رسم شکل

۴ بحث

پژوهش حاضر به بررسی تجربهٔ زیستهٔ افراد نابینا به‌منظور تشخیص الگوهای پیش‌برنده‌های آن‌ها پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ افراد نابینا شامل سازگاری به‌مرور زمان، ارتباط با خدا، عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی، مهارت‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی است. یعنی از نظر کنشگران، گذشت زمان از عوامل بسیار مهم سازگاری با نابینایی بوده و در ادامه از الگوهای پیش‌برندهٔ آنان است. آن‌ها بیان کردند که «روبه‌روشدن با نابینایی چند ماه اول سخت بود ولی کم‌کم با گذشت زمان همه چی برایم عادی شد. همیشه اینطوریه اوایل بهت فشار میاد؛ اما در ادامه دیگه آسون می‌شه؛ بهترین کار این بود که باهاش کنار بیام و هرچه می‌گذشت بهش عادت می‌کردم».

گفته شده است سازگاری برآیند تأثیر عوامل متعددی ازجمله عوامل فردی‌جمعیتی (سن، جنس، تمایزهای فرهنگی و قومیتی و نژادی، توانایی هوش) و عوامل شخصیتی (عزت‌نفس، ابراز وجود، خوش‌بینی، احساس برجستگی و بزرگی، خودارزشمندی، سبک اسنادی و نوع کنترل، جهت‌گیری‌های انگیزشی و رهیافت‌ها و شیوه‌های یادگیری، ثبات عاطفی و هوش هیجانی و خودکارآمدی) و عوامل متغیرهای موقعیتی‌محیطی (مطلوب‌بودن اجتماعی، سبک‌های مقابله‌ای، مهارت‌های حل مشکل اجتماعی، نقش مشاوران، نقش عوامل خانوادگی و معلمان و حمایت اجتماعی) است (۱۰). نتایج پژوهش‌های انجام‌شده درزمینهٔ سازگاری نابینایان نیز به‌نوعی از سازگاری حاصل در طول زمان حمایت می‌کند. در مطالعه‌ای که با عنوان بررسی وضعیت سازگاری عاطفی و اجتماعی جانبازان نابینا در شهر زنجان در سال ۱۳۹۰، صورت گرفت، نتایج نشان داد بین سن افراد و سازگاری اجتماعی و نیز بین سن افراد و سازگاری در بُعد سلامتی ارتباط معناداری وجود داشت. به‌نحوی‌که هرچه سن فرد بیشتر بود سازگاری زیادتر و بهتری درمقایسه با افراد دارای سن کمتر، داشتند (۱۱). در پژوهش دیگری مشخص شد افرادِ دارای خصیصهٔ سخت‌رویی در طول زمان، مقاوم و سازگار و درعین‌حال رویدادهای زندگی از نظر ایشان کنترل‌شدنی و پیش‌بینی‌پذیر است (۱۲). همچنین در پژوهش مذکور بیان شد افراد باخصیصهٔ سخت‌رویی در طول زمان و پشت‌سرگذاشتن حوادث تنیدگی‌زا در زمان‌های مختلف در طول عمر، افراد را دربرابر بیماری‌ها و عوارض منفی آن مقاوم می‌کند (۱۳).

ارتباط داشتن با خدا، از دیگر ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ افراد نابینا بوده که از دید کنشگران تحقیق ارتباط با خدا و راز و نیاز با او و توکل بر خدا، اهمیت زیادی در جهت سازگارشدن با نابینایی دارد و از ویژگی‌های بسیار مهم الگوهای پیش‌برندهٔ آنان است. آن‌ها بیان

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.49.1]

کردند «هر کاری برای خدا ارزشش داره و حتماً حکمتی بوده. با خدا زیاد حرف می‌زنم. خدا را شکر می‌کنم. اگر در سرازیری و مشکل باشم، توسل می‌کنم به سیدالشهدا. من که بهتر از حضرت زهرا نیستم؛ این همه رنج کشید و لب تر نکرد. نابینایی به من هدیه‌ای بوده تا قدر داشته‌هامو بدونم. من به نابینایی بیشتر به‌عنوان یه نعمت نگاه کردم زمانی‌که خیلیا شکر می‌کنن که مثل من نابینا نیستن (یعنی نابینایی من یه نعمتی هست که دیگران با دیدن من خدا را بیشتر شکر می‌کنن)».

اما تحقیقی در رابطه با ارتباط با خدا برای نابینایان صورت نگرفته است. حتی پژوهش‌های دیگری که به‌طورکلی درخصوص ارتباط انسان با خدا انجام شده، بیشتر به نوع ارتباط انسان با خدا و خدا با انسان پرداخته یا ارتباط انسان با خدا را در متون عرفانی و ادبیات بررسی کرده است که در ادامه به تعدادی اشاره می‌شود. در پژوهشی با عنوان رابطهٔ خدا و انسان در ادبیات خداشناسی و عرفانی با تأکید بر آثار مولوی، جست‌وجوی دو جانبهٔ خدا و انسان برای نزدیکی به یکدیگر و آغازگری رابطه از سوی خداوند، تقدم ارادهٔ خداوند بر خواست آدمی، اشاره به محبت متقابل خدا و انسان و خاستگاه الهی عشق و همچنین نقش و کارکرد شفقت انسانی جهت برقراری ارتباط با خداوند، اجابت دعا، بخشایش الهی و مصون‌بودن از قهر الهی ازجمله نتایج حاصل از این پژوهش است؛ بنابراین می‌توان گفت هرچند پژوهش‌های صورت‌گرفته به‌طور مستقیم از نتایج مطالعهٔ حاضر حمایت نمی‌کند، می‌توان از نتایج آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم برداشت کرد که در همهٔ احوال اعتقاد به نیرویی برتر مثل خدا همیشه برای بشر، آرامش‌بخش بوده و توان مقابله در رویارویی با مسائل مختلف و پیشرفت و پیشبرد اهداف در جهت رشد خود و دیگران، راهگشا و تسهیل‌گر بوده است (۱۴).

از دیگر نتایج پژوهش حاضر، برای ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ نابینایان، عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی به‌دست آمده است؛ یعنی از دید کنشگران داشتن عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی مثل خودپندارهٔ قوی و خوداتکایی، خودباوری، داشتن ارادهٔ محکم، حس مفیدبودن، تأثیرات مثبت، تأکید بر عملکرد خود و غیره اهمیت زیادی در جهت سازگارشدن با نابینایی دارد و از ویژگی‌های بسیار مهم الگوهای پیش‌برندهٔ آنان است. به‌عنوان مثال آن‌ها بیان کردند «من زیاد با نابیناییم درگیر نبودم به‌جاش رو توانایی که داشتم تمرکز کردم. اولش سخت بود؛ اما وقتی بقیهٔ حس‌ها رو دارم ازشون خوب استفاده کردم. بیشتر به این فکر می‌کنم که چی کار می‌تونم بکنم؛ نداشتن امید بدتر از هر چیزی هست. نداشتن چشم که چیزی نیست. خودِ من مهم‌ترین عامل در شکست و موفقیت‌ها هستم. بستگی به این داره که خود فرد چقدر تلاش کرده اگر واقعاً تلاش کرده باشم نتیجهٔ خوبی می‌بینم. با خودم زیاد حرف می‌زنم و در موردش با خودم صحبت می‌کنم. اگه شکست بخورم حتماً چند روز بعد دوباره شروع می‌کنم». اسپرینگر و فیلیپس، عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی را، عواملی می‌دانند که سبب می‌شود فرد در محیط‌های پرخطر دارای شخصیت سالم و رشد اجتماعی مناسب باشد. ممکن است نبود یا ضعف این عوامل به سلامت شخصیت و رشد اجتماعی شخص آسیب بزند. اختلال در هریک از عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی می‌تواند به بروز اختلال‌های بسیاری منجر شود. عوامل حمایتی ویژگی‌هایی است که سازگاری را تقویت می‌کند؛ درحالی‌که اصطلاحاتی مثل آسیب‌پذیری و خطر برای فاکتورهایی استفاده می‌شود که احتمال ناسازگاری را افزایش می‌دهد (به نقل از منبع ۱۵).

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزهٔ نابینایان، از اهمیت عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی یا هرکدام از مؤلفه‌های آن به‌طور مجزا، در سازگاری فرد و پیشبرد و نیل به اهداف و ازطرفی کاهش رفتارهای پرخطر خبر می‌دهد. در پژوهشی ارتباط بین عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی و خودکارآمدی اجتماعی را با بروز رفتارهای بزهکارانه نشان دادند. به این نحو که هرچه عوامل حمایت‌کنندهٔ فردی زیاد باشد رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد (۱۶).

ویژگی دیگری که برای الگوهای پیش‌برندهٔ نابینایان باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر مشخص شد، داشتن مهارت‌های اجتماعی است. بدین‌صورت داشتن مهارت‌های اجتماعی مثل مشورت‌گرفتن از دیگران، حس لذت از کمک به دیگران (علاقهٔ اجتماعی)، تمایل به یادگیری از دیگران، الگو قراردادن دیگران، کمک‌خواستن از دیگران به‌هنگام نیاز و غیره برای نابینایان راهگشا بوده است. مثلاً آن‌ها بیان کردند: «برام خیلی سخت بود؛ اما وقتی با کسانی آشنا شدم که تونسته بودن با این مسئله کنار بیان و حتی بهتر از بیناها هم زندگی کنن، خیلی راحت کنار اومدم. با چند تا نابینای موفق آشنا شدم که الان بهترین خونه و زندگی رو دارن؛ ارتباط داشتن با نابیناهایی که از پس مشکلات براومده بودن. بیشتر اون حس لذتی که وقتی به دیگری کمک می‌کنم باعث می‌شه که تلاشم رو بیشتر کنم تا توانمندی‌هامو زیاد کنم. همیشه با دوستانم مشورت می‌کنم و اونا هم کمک می‌کنن».

گفته شده است مهارت اجتماعی مجموعهٔ رفتارهای فراگرفتهٔ پذیرفتنی بوده که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطهٔ مؤثر داشته باشد و از بازخورد نامعقول اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک‌کردن، آغازگر رابطه‌بودن، تقاضای کمک‌کردن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی‌کردن، مثال‌هایی از این نوع رفتار است (۱۷). در پژوهشی با عنوان بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس دانش‌آموزان نابینا، دریافتند آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود عزت‌نفس دانش‌آموزان پسر نابینا، در گروه آزمایشی به‌طور معناداری مؤثر بوده است. این یافته‌ها، بیان می‌کند اجرای برنامهٔ آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان نابینای گروه آزمایشی، کمک کرده تا در تعامل با همسالان خود، با عزت‌نفس خوبی رفتار کنند (۱۸). اهمیت مهارت‌های اجتماعی را به عنوان عامل بسیارمهم در اجتماعی‌شدن و سازگاری اجتماعی، هیچ‌گاه نمی‌توان از نظر دور داشت؛ بنابراین، آموزش مهارت‌های اجتماعی به افراد نابینا بسیار حیاتی و مهم است و می‌تواند عامل مهمی در جهت پیشبرد و نیل به اهداف آن‌ها باشد.

ویژگی دیگر برای الگوهای پیش‌برندهٔ افراد نابینا، حمایت اجتماعی بوده است؛ یعنی از نظر کنشگران تحقیق داشتن حمایت اجتماعی مثل حمایت اطرافیان در هنگام نیاز و مشکل‌ها، نبود مانع‌تراشی از سمت آنان، وضعیت مالی خوب، دسترسی به امکانات آموزشی و حتی تحصیل، از عوامل مؤثر بسیار مهم در رسیدن به سازگاری و

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.49.1]

پیشبرد اهداف آنان بوده است؛ مثلاً آن‌ها بیان کردند: «مادروپدر خیلی کمکم می‌کنن و همیشه هوامو داشتن. دوستانم خیلی کمک کردن؛ همش باهام بودن. تا وقتی ازدواج نکرده بودم پدرومادرم کمکم می‌کردن اما حالا همسرم؛ نادیده گرفته‌شدن از سمت دیگران خیلی اذیتم می‌کنه انگار که من نیستم؛ اما وقتی توی کاری باهام مشورت می‌کنن خیلی حس خوبی دارم. پدرومادرم همیشه قبل از هر کاری از خودم سؤال می‌کنن؛ خدا را شکر محیط زندگی من خیلی مناسب بود؛ یعنی آگاهی و فرهنگشو داشتن وگرنه شاید منم مثل خیلیا باید طرد می‌شدم؛ وضعیت مالی در اوایل خیلی ناراحت‌کننده بود. انتظار کمک آن‌چنانی نداشتیم؛ اما حداقل یه تفاوتی می‌گذاشتن».

می‌توان گفت به‌طورکلی حمایت اجتماعی به کمک یا مساعدتی اطلاق می‌شود که در هنگام مواجهٔ شخص با اضطراب و فشار و مشکلات زندگی در اختیار فرد می‌گذارند (۱۹). نتایج پژوهش آزادی و آزاد نشان داد بین حمایت اجتماعی با سلامت روان، همبستگی معناداری وجود دارد که در این میان حمایت اجتماعی سایر افراد مهم زندگی و حمایت اجتماعی خانواده و حمایت اجتماعی دوستان به‌ترتیب ارتباط بیشتر را با سلامت روان دارند؛ بنابراین باتوجه به نتایج تحقیق حاضر و نتایج تحقیقات انجام‌شده در این زمینه می‌توان گفت داشتن حمایت اجتماعی چه به‌صورت ادراک‌شده و چه به‌شکل دریافت‌شده، یکی از عوامل مهم سازگاری نابینایان بوده و در جهت پیشبرد اهداف آن‌ها، راهگشا بوده است (۲۰).

۵ نتیجه‌گیری

به‌طورکلی از نظر کنشگران مطالعه‌شده و باتوجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت ویژگی‌های الگوهای پیش‌برندهٔ افراد نابینا، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و عوامل درون‌فردی و بین‌فردی و درعین‌حال عوامل محیطی و از همه مهم‌تر ارتباط با خالق هستی است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد بی‌توجهی یا نادیده‌گرفتن هرکدام از این عوامل و ویژگی‌ها، می‌تواند فرد را از داشتن الگویی پیش‌برنده محروم سازد که در تعریف آن بیان شده است فرد دارای الگوی رفتاری پیش‌برنده در زمان داشتن توانایی جهت‌یابی در کار و زندگی شخصی خود، می‌تواند به موفقیت دست یابد و او به‌طور پیوسته به‌دنبال دستاوردهای جدید است. به‌نظر می‌رسد به‌جز یکی از این ویژگی‌ها، یعنی سازگاری به‌مرور زمان که نیاز به گذر زمان دارد، بقیه ویژگی‌هایی هستند که اکتسابی بوده و با آموزش و تربیت مناسبِ افراد نابینا، می‌توان فرد را مجهز به چنین ویژگی‌هایی کرد؛ به‌طور مثال ارتباط‌داشتن با خدا به‌عنوان ویژگی از الگوهای پیشبرندهٔ آن‌ها، ویژگی است که کاملاً با تربیت افراد نابینا از سنین کودکی و اتصالشان به نیرو و پشتیبانی همیشگی، آنان را دربرابر مسائل و موانع پیش‌روی زندگی‌شان نیرومند و مقاوم می‌سازد.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.49.1]

References

1. Tafreshi Motlagh A, Moradi MB, Imamiyeh SS, Darbandi M. Universal model of DISC third millennium miracle. Karaj, Iran: Ghrohe Moallefin Publication; 2015, pp:1-78. [Persian]
2. Afrasiabifar A, Hasani P, Fallahi Khoskenab M, Yaghmaei F. Models of adjustment to illness. Advances in Nursing & Midwifery. 2010; 19 (67): 42-8. [Persian] doi:10.22037/anm.v19i67.1550
3. Afrouz GA. An introduction to psychology and the education of exceptional children. Tehran, Iran: Tehran University Publication; 2012, 41-43. [Persian]
4. Narimani M, Soleymani I, Abolghasemi A. A comparison of internal and external dimensions of thinking styles in blind and sighted students. Journal of School Psychology. 2012; 1(1):108-18. [Persian]
5. Barghandan S, Tarkhan M, Ghaemi Khamami N. Efficacy of anger management training on social adjustment of high school female students in Rasht city. Clinical Psychology Studies. 2012;2(8):140-65. [Persian]
6. Schultz D, Schultz SA. Personality Theories. Seyyed Mohammadi Y. (Persian translator). Tehran: Savalan; 2016, pp: 171-173.
7. Navabinejad Sh. Normal and abnormal behaviors of children and adolescents and ways to prevent and treat abnormalities. Tehran: Parents & Coaches Association; 2014, pp: 92-93.
8. Sharifi Daramadi P. The effect of social skills training based on cognitive- behavioral approach on psychological adjustment of blind male students. Psychology of Exceptional Individual. 2011; 1(1):45-66. [Persian]
9. Babaee Fard A, Mehraban Z. Review the problems and problems of blind and partially sighted people in dealing with the community. Tehran: Meeting of the Bina Society and the Citizen of the Blind in December 2015. [Persian]. Available from: http://gooshkon.ir/1394/09
10. Zaki MA. Adaptation to university and its relationship with social support a case study: the students of Isfahan University. Youths, Culture and Society Research. 2010;(4):107-30. [Persian]
11. Ghafouri Fard M, Payami Busari M, Heidari Some'e A. A survey on various dimensions of adjustment status among warfare Veterans with one eye blindness. Iranian Journal of War and Public Health. 2014; 6(2). [Persian] http://ijwph.ir/article-1-283-en.html
12. Kobasa SC. Stressful life events, personality, and health: an inquiry into hardiness. Journal of Personality and Social Psychology. 1979; 37 (1):1-11. doi:10.1037/0022-3514.37.1.1
13. Maddi SR. Hardiness: an operationalization of existential courage. Journal of Humanistic Psychology. 2016;44(3):279-98. doi:10.1177/0022167804266101
14. Pazhuhandeh L. The affinity between God and man in teleological and mystic literature: the case of Mowlavi. Adab Pazhuhi. 2011;6(22):97-124. [Persian]
15. Aghanje N. Validation and Reliability Assessment of the Persian Version of Individual Supporting Factors Index (IPFI) in high school adolescents in Shiraz [Master's Thesis]. Marvdasht: Islamic Azad University of Marvdasht; 2012. [Persian]
16. Barzegar M, Akrami N, Rasti L. Predictive role of personal and automated social support with attitude towards delinquent behavior of adolescents. National conference on the criminal policy of Iran in relation to the crime and delinquency of children and adolescents. Kerman. Graduate School of Industry and Advanced Technology; 2013. [Persian] Available from: https://www.civilica.com/Paper-NCICPC01-NCICPC01_001.html
17. Shahim S. A survey of social skills in a group of blind students in terms of teachers. Journal of Psychology & Education. 2002;32(1):121-39. [Persian]
18. Behpajooh A, Khanjani M, Heidari M, Shokoohi Yekta M. The Effect of social skills training on self-esteem of visually impaired male students. Journal of Research in Psychological Health. 2008;1(3):29-37. [Persian]
19. Tasig M, Michlo J, Sweety S. Sociology of Mental Illness, Translation by Ahmad Abdollahi. Tehran: Publication of Samt; 2015. [Persian]
20. Azadi S, Azad H. The correlation of social support, tolerance and mental health in children of martyrs and war-disabled in universities of Ilam. Iranian Journal of War and Public Health. 2011;3(4):48-58. [Persian] http://ijwph.ir/article-1-135-en.html

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.49.1]